

نامه

دانشوران ماضی

در شرح حال

ششصد تن از دانشمندان نامی

مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر

مکتبہ مخصوصہ  
عبدالباقی بن عبد اللہ الجبلی

نامہ

کتابخانہ تخصصی علوم و ادب  
شماره ثبت: ۷۶۲  
تاریخ: ۱۹۲۴  
شماره مدرک:

# دانشوران ناصری

در شرح حال ششصد تن از دانشمندان نامی  
نوشته ۴:

جمعی از فضلاء و دانشمندان دوره قاجار

جزء ۵ هفتم

چاپ دوم

ناشر:

مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم  
«قم»

صاحب روضات الجنات در ترجمه علامه زمخشری گفته : و نام ابوالمؤید ملقب باخطب خوارزم موفق بن احمد بن ابی سعید است ؛ نه محمد چنانکه صاحب رجال زعم برده و این موفق بن احمد صاحب فقه و ادب و حدیث و خطب و اشعار و کتابی در مناقب اهل بیت اطهار است سلام الله علیهم ، و علامه سیوطی در نعت الوعاة فی طبقات النحاة گفته : که وی در سال پانصد و شصت و هشت از سر ای فانی در گذشت و مقصود صاحب رجال در عبارت جامع روضات که گفته است در اسم اخطاب خوارزم بخطارفته و بجای موفق محمد نگاشته محدث نیشابوری میرزا محمد اخباری متأخر است که در کتاب رجال خود اخطاب خوارزم را در باب محمد بن عنوان کرده ، و همانا از بابت اشتراک کنیت و نسبت و منصب خطابت نام اخطاب خوارزم را بنام ابوالمؤید خوارزمی اشتباه نموده چه اسم ابوالمؤید خوارزمی که هم از مشاهیر نجارین علماء عصر مستعصم خلیفه عباسی است محمد بوده ؛ و بیکیسال قبل از قتل خلیفه و استیلاء تاتار بر بغداد وفات یافته ، و از مردم خوارزم بود و شغل خطیبی نیز مدتی داشته و در زمانی که غولان مغولستان سلطان محمد خوارزمشاه را از تخت پادشاهی ممالک اسلام ؛ از عاج (۱) کردند و بر قلمرو او عموماً و بر خطه خوارزم خصوصاً دست یافتند این ابوالمؤید محمد خوارزمی بقضاء خوارزم منصوب گردید ، و بعد از مدتی این منصب را از کراحت اختلاط (۲) تر که ترک گفت چنانکه در جواهر مضیئه تألیف شیخ عبدالقادر بن محمد حنفی و غیرها مذکور است سید اجل استاذ الاستاذة و نقاد الجهابذة (۳) فخر الحفاظ الکابرین ، و ذخر الفحول (۴) المعاصرین امیر حامد حسین الہندی صاحب عبقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار در مجلد سادس از کتاب مستطاب عبقات که آن مجلد را در کلام بر حدیث شریف تشبیه تلفیق و تصنیف نموده است ، و بر منکرین ثبوت وصحت و روایت آن که بعضی از متأخرین محدثین اهل سنت و جماعت میباشند انکار شدید آورده ، و حدیث تشبیه را خود از طرق اهل سنت و جماعت بأعلی درجه اثبات رسانیده ، و از جمعی کثیر و جمعی غفیر از ثقات محدثین و مشایخ مسندین (۵) این خبر را نقل نموده از آن جمله است اخطاب

(۱) بر انداختند (۲) امتزاج و مخلوط نمودن

(۳) تیز و دهنده خوب را از بد (۴) ذخیره دانشمندان

(۵) استادان حدیث

خوارزم صاحب این ترجمه که در کتاب مناقب امیر المؤمنین علیه السلام روایت حدیث تشبیه کرده و از چند طریق این منقبت عظمی و مکرمت کبری را نقل نموده و رسم معتاد و سیر مألوف و سنت جاریه صاحب عقبات الانوار است که از جهت تشیید اساس احتجاج و اتقان بنیان استدلال هر حدیث که از هر طریق اثبات می‌کند نقله و روات و رجال آن طریق را ترجمه می‌فرد، و شرح احوال و مراتب و ثنات و عدالت ایشان را از کتب معتبره قوم ایراد مینماید، و غالباً بر سیل استطراد (۱) و تصحیح اعتماد و استناد بر شهادت موسقین و معدلین ایشان تراجم موثقین و معدلین رانیز از مظان معتبر و موطن معتمد اخراج کرده و در خلال سخن مندرج ساخته و هکذا بقدر مساس الحاح در ذکر مراتب اعتبار نقله آن اخبار که محل تنازع و تشاجر است بگوئید فبناءً علی هذه السیره المألوفه و السنة الجاریه و رسم المعتاد و الشرط المنعقد علیه الكتاب .

آنجناب شرح احوال و ترجمه اخبار اخطب خوارزم را در ضمن وجه‌ها نزدهم از وجوه اثبات حدیث تشبیه و ابطال انکارش عنوان کرده؛ و از مواضع کثیر و مواقع معتبر بر حالات و اخبار وی دست یافته؛ و نقل نموده است، و بمقتضای سبک مشارالیه و اسلوب سابق الذکر بتراجم معدلین و موثقین وی نیز المام فرموده؛ و بر احوال کسانی که از اخطب خوارزم روایت می‌کنند نیز اشارت آورده، و عبارات آنجماعت را هم که مشتمل است بر نقل و روایت از اخطب خوارزم از کتب ایشان اخراج کرده، و در ضمن سخن اندراج داده است، و احياناً تعرفه آنکتب را هم از کشف الظنون بل و غیره باز نموده؛ و گاهی علی‌عاده‌المتعارفه از فاتحه تصانیف و تألیفات که از آنها نقل کلام می‌کنند نیز سخنی عینها می‌آورد تا بر شرائط و التزامات و تعهدات مصنف آنها و یا بر جهات و مطالب دیگر که در مقام احتجاج و استدلال بکار است تشبیه فرموده باشد. علی‌الجمله آن میرنحیر (۲) و حبر کبیر مؤونه تشیع و تجشم (۳) استقر اعداد این ترجمه و بسیاری از تراجم علماء

(۱) مناسبت يك كلام دیگرى آوردن

(۲) دانشمند فطن و حاذق (۳) زحمت و مشقت

عظام و فحول فخام از ما کفایت فرموده است.

شکر الله مسا عیه و ایده فی مستقبل عمره کما ایده فی ماضیه . و ما در هر ترجمه و شرح احو الی که از عقبات الانوار نقل میکنیم تصرفی که ضرور داریم فقط ترجمان بر خی از عبار ( ۱ ) عربیه است ؛ که برای خروج از عهده شرطیکه در ابتدا تألیف این نامه نامی التزام شده است ناچار میباید جمیع تراجم این کتاب را بر یک نسق و اسلوب ساخت و گرنه ذکر احوال دیگر رجال بر سبیل اجمال در ضمن شرح اخبار کسی بمناسبت و تقریباتی که پیش میآید در حقیقت خود اکمال شرح احوال آنکس است ؛ علاوه آنکه در کتب رجالیه هر چه اسامی رجال و مصادیق موضوع تألیف بیشتر مذکور افتد ؛ و مکرر معرفی شوند مطلوب است ، اگر چند هر یک از آنها عنوان مخصوص و ترجمه علیحده نیز داشته باشند ، باری صاحب عقبات الانوار میفرماید وجه شانزدهم از وجوه اثبات حدیث تشبیه ، و ابطال انکار مخاطب وجیه آنکه ؛ ابوالؤبد موفق بن احمد بن ابی سعید اسحاق المعروف باخطب خوارزم این حدیث شریف را بطرق متعدده روایت نموده ؛ چنانچه در کتاب المناقب بعد نقل حدیثی باین اسناد اخبرنا الشیخ الزاهد الحافظ ابوالحسن علی بن احمد العاصمی الخوارزمی قال . اخبرنا الشیخ القضاة اسمعیل بن احمد الواعظ ، قال اخبرنا ابو بکر احمد بن الحسین البیهقی النخ گفته

وبهذا الاسناد عن احمد بن الحسين هذا قال : اخبرنا ابو عبد الله الحافظ في التاريخ قال حدثنا . ابو جعفر محمد بن احمد بن سعيد قال حدثنا محمد بن مسلم قال : حدثنا عبد الله بن موسى العبسي قال حدثنا ابو عمر الازدي عن ابی را شد الجبرجانی عن ابی الحر آء قال قال : رسول الله ﷺ من اراد ان ينظر الى آدم في علمه والي نوح في فهمه والي يحيى بن زكريا في زهده والي موسى بن عمران في بطشه فلينظر الى علي بن ابی طالب عليه السلام ؛ قال : احمد بن الحسين البیهقی لما كتبه الا بهذا الاسناد والله اعلم .

یعنی ابوالحر آء گفت که رسول الله (ص) فرمود : هر کس میخواهد نظر نماید بسوی